



دلیل پذیرش امامت جواد الائمه (ع) در خردسالی / مجلس خواستگاری که به مناظره علمی کشید

یک عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث با بیان اینکه امام جواد(ع) نخستین امامی است که در خردسالی به امامت می‌رسد...

یک عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث با بیان اینکه امام جواد(ع) نخستین امامی است که در خردسالی به امامت می‌رسد، به بررسی واکنش جامعه به پذیرش امام 8 ساله اشاره کرد و گفت: نکته‌ای که وجود دارد این است که جامعه نسبت به امامت ایشان مقاومت نمی‌کند و جامعه تشیع امامت ایشان را می‌پذیرند و اگر گزارشاتی وجود دارد که برخی از اصحاب بزرگ امام رضا(ع) درباره امامت امام جواد(ع) در آن سن تردیدی کردند، این گزارشات پاسخ داده شده و قابل قبول نیست. به گزارش خبرگزاری مهر، حضرت جواد (ع) امام نهم شیعیان و تنها پسر امام علی بن موسی الرضا(ع) در ماه رمضان و یا رجب سال ۱۹۵ق در مدینه متولد شد. مادر گرامی ایشان به نام سبیکه از اهل نوبه (از شهرهای افریقا)، از خاندان ماریه قبطیه (همسر پیامبر اسلام (ص))، بود که امام رضا (ع) او را خیزران نامید و از نظر فضائل اخلاقی در درجه والایی قرار داشت و برترین زنان زمان خود بود، به طوری که امام رضا (ع) از او به عنوان بانویی منزّه و پاک دامن و با فضیلت یاد می‌کرد. در زمانی که امام رضا(ع) به سال 200ه.ق به اجبار مأمون خلیفه وقت عباسی از مدینه به مرو آورده شد. امام حج تمتع آن سال را به جای آورد و در هنگام طواف حج، امام جواد(ع) (220 - 195ق) با وی بود. امام جواد در آن هنگام 5-6 ساله بود.

نام مبارک امام نهم محمد، کنیه اش ابو جعفر و کنیه مخصوص اش ابو علی است، القاب آن جناب مختار، متوکل، متقی، زکی و تقی، منتجب و مرتضی و قانع و جواد و عالم می‌باشد و طبق روایتی امام رضا (ع) او را، صادق، صابر، فاضل، نور دیده مؤمنان و مایه غیظ و خشم ملحدان لقب داد. امام جواد(ع) پس از 17 سال امامت سرانجام در آخر ذقعه سال ۲۲۰ در سن 25 سالگی به شهادت رسید و در بغداد، قبرستان قریش کنار قبر جدش موسی بن جعفر (ع) دفن شد.

سخن دشمنان دربارهٔ فرزند نداشتن امام رضا(ع)

مسئلهٔ فرزند نداشتن امام رضا (ع) اصحاب و شیعیان حضرت رضا(ع) را متأثر کرده بود. این اندوه زمانی بیشتر شد که فرقهٔ واقفیه بنا به دلایل مادی و تصرف سهم امام و عدم بازگرداندن آن به حضرت رضا (ع)، قائل به غیبت امام کاظم (ع) شده بودند، و در تبلیغات خویش نداشتن فرزند پسر از سوی امام رضا (ع) را دلیل بر ادعای موهوم خود می‌دانستند؛ تا جایی که یک بار یکی از همین افراد در نامه‌ای خطاب به حضرت رضا (ع) نوشت: تو چگونه امام هستی، در حالی که فرزندی نداری! حضرت در پاسخ فرمودند: تو از کجا می‌دانی که فرزندی ندارم، به خدا سوگند روزها و شبها سپری نمی‌شود مگر اینکه خداوند فرزند پسری را به من عنایت فرماید که حق و باطل را از هم جدا سازد.

همچنین یکی از یاران به حضرت عرض می‌کند: امام پس از تو کیست؟ آن حضرت فرمودند: فرزندم. سپس گفت: کسی که فرزند ندارد چگونه جرأت آن را دارد که بگوید فرزندم؟ راوی همین حدیث می‌گوید: چند روز سپری نشده بود که امام جواد(ع) به دنیا آمد. همچنین 171#&؛ ابن قیام واسطی؛ از فرقه واقفیه که امامت حضرت رضا(ع) را قبول نداشت، نزد آن حضرت آمد و به قصد عیب جویی حضرت گفت: آیا می‌شود که دو امام در یک مقطع زمانی با هم باشند؟ حضرت رضا(ع) فرمود: نه مگر آن که یکی از آن دو صامت (خاموش) باشد. ابن قیام گفت: پس چطور برای تو صامتی نیست؟ امام فرمود: چرا. به خدا سوگند خداوند برای من فرزندی قرار می‌دهد که حق و حق خواهان را استواری می‌بخشد و باطل و باطل خواهان را نیست و نابود می‌کند.

زکریا بن یحیی نیز می‌گوید: شنیدم علی بن جعفر، حسن بن حسین بن علی را می‌گفت: به خدا سوگند که خدا ابو الحسن الرضا (ع) را یاری کرد، حسن گفت: آری به خدا قربانت گردم، همانا برادرانش نسبت به او ستم کردند، علی بن جعفر گفت: آری به خدا ما عموهایش هم به او ستم کردیم، حسن گفت: قربانت گردم، مگر شما چه کردید؟ زیرا من نزد شما نبودم، گفت: ما و برادرانش به او گفتیم: هرگز در میان ما خاندان، امامی که رنگش دگرگون باشد نبوده (مقصودشان این بود که امام محمد تقی (ع) به شما شباهت ندارد) حضرت رضا فرمود: او پسر من است، آنها گفتند: همانا رسول خدا (ص) به حکم قیافه شناس داوری فرموده، میان تو و ما هم قیافه شناس داور باشد، حضرت فرمود: من دنبال آنها نمی‌فرستم، شما بفرستید، و به آنها اطلاع ندهید که برای چه دعوتشان می‌کنید و شما در خانه خود باشید.

چون ایشان آمدند، ما را در باغ نشانیدند و عموها و برادران و خواهران امام رضا (ع) صف کشیدند و آن حضرت را گرفته خرقة و

کلاهی پشمن به او پوشانیدند و بیلی بر دوشش گذاشتند و گفتند به صورت باغبانی وارد باغ شو، سپس ابی جعفر (ع) را آوردند و به قیافه شناسان گفتند: این پسر را به پدرش منسوب کنید، آنها گفتند: او را در این جا پدری نیست، ولی این عموی پدر او هستند و این عموی خود اوست و این عمه اوست، اگر او در اینجا پدری داشته باشد، همین صاحب باغ است که قدم های او با قدم های این پسر یکسان است و چون حضرت رضا (ع) برگشت، گفتند: همین شخص پدر اوست. علی بن جعفر می گوید: من برخاستم و لب ابی جعفر (ع) را چنان بوسیدم که آب دهانش را مکیدم. و به او عرض کردم: گواهی دهم که تو نزد خدا امام منی، پس حضرت رضا (ع) گریه کرد و فرمود: ای عمو! مگر نشنیدی که پدرم می فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: پدرم فدای پسر بهترین کنیزان، پسر کنیز نوبیه که دهانش خوشبو و زهدانش نجیب زای است، وای بر آنها و خدا لعنت کند اعیس و نژادش را (یعنی بنی عباس را) همان که فتنه انگیز است و آنها را چند سال و چند ماه و چند روز می shy& می کشد و به آنها ذلت می shy& رساند و از جام تلخ و ناگوار به آنها می آشاماند، و اوست دریدر و دور افتاده، پدر و جد کشته شده و صاحب غیبت، مردم در باره او می گویند: معلوم نیست مرده یا هلاک شده و به کدام دره رفته، " ای عمو! چنین پسری جز از نسل من تواند بود؟ عرض کردم: راست می گوئی، قربانت گردم.

ازدواج امام جواد (ع)/فرزندان امام جواد (ع)

مامون خلیفه عباسی چون در میان یک سلسله تنگناها و شرائط دشوار سیاسی قرار گرفته بود، برای رهایی از این تنگناها، تصمیم گرفت خود را به خاندان پیامبر نزدیک سازد، بر همین اساس با تحمیل ولیعهدی بر امام هشتم می خواست سیاست چند بعدی خود را به مورد اجرا بگذارد. و نیز با تظاهر به مهربانی و دوستی نسبت به امام جواد (ع) تصمیم گرفت دختر خود را به حضرت تزویج کند تا استفاده ای را که از تحمیل ولیعهدی بر امام رضا (ع) در نظر داشت از این وصلت نیز به دست آورد. بر اساس همین طرح بود که امام جواد (ع) را در سال ۲۰۴ هـ ق یعنی یک سال پس از شهادت امام رضا (ع) از مدینه به بغداد آورد و به دنبال مذاکراتی که در جلسه مناظره امام با یحیی بن اکثم گذشت، دختر خود را 171#ام الفضل راquo& را به همسری حضرت درآورد.

از مطالعه کتب تاریخی و روایی فهمیده می شود که امام جواد (ع) دارای دو همسر بودند به نام shy&های سمانه مغریه مادر امام هادی (ع)، و ام الفضل (دختر مامون خلیفه عباسی) که امام از او صاحب فرزند نشدند. شیخ طبرسی می گوید که امام جواد (ع) دو پسر و سه دختر از خود به جای گذارد که یکی از آنان حضرت هادی (ع) است و دومی هم به نام موسی معروف به 171#مربع raquo& می باشد و دختران آن جناب هم حکیمه، خدیجه و ام کلثوم نام داشته اند.

حجت الاسلام احمد غلامعلی عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث درباره ویژگیهای دوره امامت حضرت جواد الائمه (ع) به خبرنگار مهر گفت: امام جواد (ع) نخستین امامی است که در خردسالی به امامت می رسد برای همین واکنش جامعه به پذیرش امامی که 8 ساله هست باید بررسی شود. نکته ای که وجود دارد این است که جامعه نسبت به امامت ایشان مقاومت نمی کند و جامعه تشیع امامت ایشان را می پذیرند و اگر گزارشاتی وجود دارد که برخی از اصحاب بزرگ امام رضا (ع) درباره امامت امام جواد (ع) در آن سن تردیدی کردند، این گزارشات پاسخ داده شده و قابل قبول نیست.

دلیل پذیرش امام خردسال از سوی شیعیان

وی افزود: آنچه از جو مدینه به دست می آوریم آن است که شیعیان به راحتی امامت امام 7-8 ساله را می پذیرند دلیل این پذیرش هم به تبیین های کامل و عمومی امام رضا (ع) برمی گردد که ایشان بحث امامت و ویژگی های امام را برای عموم مردم بیان کرده بودند یعنی قبل از امام رضا (ع) 4 امامیه، 7 امامی ها، 6 امامی ها هستند و انشعابات مختلفی در شیعه وجود دارد اما پس از امام رضا (ع) حتی امامت امام 8-9 ساله را می پذیرند. یعنی فرصت بیان ویژگی های امامت در زمان امام رضا (ع) موجب روشن شدن بحث امامت برای همگان شد.

وی با اشاره به سیر کلی امامت تصریح کرد: وقتی سیر کلی امامت را می بینیم گویا خداوند می خواهد به ما اتمام حجت کند که ائمه اول ما یعنی امام علی و حسن و حسین علیهم السلام در پی برپایی اسلامی بودند که این اسلام هم سیاسی و هم علمی و هم اجتماعی باشد یعنی عملاً کارهای ائمه این مطلب را می رساند بعد مردم امامی که مرجع سیاسی باشد را نمی پذیرند و بعد سنت الهی بر این تعلق می گیرد که خب اگر مرجعیت سیاسی آنها را نمی پذیرید مرجعیت علمی آنها را بپذیرید، امام سجاد (ع) تا امام رضا (ع) مرجعیت علمی شان برجسته است اما باز کل جامعه مرجعیت علمی این بزرگان را نپذیرفت و سنت خدا به این تعلق گرفت که اگر مرجعیت سیاسی و علمی آنها را نمی پذیرید، اما وجود فیزیکی و ظاهری آنها هم برای شما برکت دارد در نتیجه امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) را داریم که در سنین بسیار جوانی به شهادت رسیدند، اینها وجودشان برای شما چه ضرری دارد؟ و خداوند می بیند که حتی مردم وجود اینها را بر نمی تابند و اینجاست که فلسفه غیبت آغاز می شود و خداوند این 11 نور پاک را با هر گونه برنامه ای برای ما فرستاد اما ما نه مرجعیت سیاسی و نه مرجعیت عملی آنها و نه حتی وجود فیزیکی آنها را در جامعه نپذیرفتیم و اینجاست که یک اتمام حجت الهی با غیبت دوازدهمین نور یعنی امام زمان (عج) آغاز شد.

این پژوهشگر علوم حدیث با اشاره به تلاش افرادی در تبیین امامت امام جواد(ع) تصریح کرد: افرادی مثل علی بن جعفر پسر امام صادق(ع) و عموی پدر امام جواد(ع) است که به لحاظ سنی بسیار بزرگتر از ایشان است و به لحاظ علمی هم از جایگاه برجسته ای برخوردار است و این فرد ریش سفید و فقیه سؤالاتی را از امام کاظم(ع) پرسیده است که تحت عنوان کتاب مهم « مسائل علی بن جعفر"؛ به دست ما رسیده است. این فرد کاملاً در تبیین امامت امام جواد(ع) کوشش کرده است و این گویای این است که اگر فرد عالمی خداشناس باشد، اگر کسی اعلم تر از خود را ببیند باید او را بر خود مقدم بداند هرچند سن او بسیار کم باشد. حتی از علی بن جعفر سؤال می کنند که تو سن پدر بزرگ جوادالائمه(ع) را داری، چرا نسبت به او اینقدر مطیع هستی؟ می گوید: خداوند لیاقتی را در این خردسال دید که در ریش سفید من ندید. پس اینجاست که مسئله امامت را می خواهد در جامعه تبیین کند لذا می بینیم که در زمان امام جواد(ع) زاویه دید به امامت فرق کرده است دیگر آن نگاه قبیله ای و فرزندی صرف نیست و کاملاً نشان می دهد که امامت باید از سوی خداوند باشد و پذیرش این موضوع از سوی افرادی چون علی بن جعفر بسیار مؤثر بود.

شخصیت علمی امام جواد(ع)

امام جواد(ع) مانند امامان دیگر با بهره‌مندی از علوم توحیدی و دریافت حقایق از عوالم ملکوتی، قطره‌هایی از دریای علم و حکمت را در صحنه‌های مختلف زندگی‌اش به نمایش گذاشته است، که مهم 'ترین آنها مناظرات علمی و تربیت شاگردان برجسته است، که علوم و دانش های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می کردند، دوره امام جواد تا امام عسکری (ع) به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود.

یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه ما، بعد فرهنگی آن است. این پیشوایان بزرگ هر کدام در عصر خود فعالیت های فرهنگی داشته و در مکتب خویش شاگردانی تربیت می کردند و علوم و دانش 'های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می کردند، اما شرایط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است؛ مثلاً در زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) شرائط اجتماعی، مساعد بود و به همین جهت تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق (ع) بالغ بر 4 هزار نفر می شد، ولی از دوره امام جواد تا امام عسکری (علیهم السلام) به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق (ع) کاهش بسیار چشم 'گیری را نشان می دهد.

حجت الاسلام غلامعلی درباره علت کم بودن احادیث منقول از امام جواد(ع) تأکید کرد: ریشه کم بودن احادیث از امام جواد(ع) به دلیل تدوین احادیث به صورت کتاب است. در دوران امام جواد(ع) احادیث تقریباً تدوین شده است و به صورت مکتوب در آمده است لذا عالمان در این دوره احادیث را از منابعی چون کتب یونس بن عبدالرحمن، حسین بن سعید اهواری، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و... به دست می آوردند. در واقع دوران امام رضا(ع) به بعد و امام جواد(ع) به گونه ای دوره پالایش احادیث است و احادیث از صورت پراکنده نویسی به صورت مجموعه نگاری در آمده است. همچنین علاوه بر احادیث امام جواد(ع)، حرزها و استعاذه هایی از امام جواد(ع) به دست ما رسیده است.

وی افزود: چون احادیث در اختیار علما بوده دیگر مراجعه حضوری و مستقیم به امام کمتر می شود و احادیثی که از امام جواد(ع) به دست ما رسیده است بیشتر درباره وکلا و مباحث توحیدی و اخلاق اجتماعی و ادعیه است. کتابهای جامع الجامع یا کتب ثلاثین که خاص امام جواد هم نیست بلکه احادیث ائمه است که تا آن دوران اصحاب ائمه آن را تدوین کردند یعنی تا پیش از امام رضا(ع) و امام جواد احادیث پراکنده و جزوه جزوه بوده و موضوعی هم نبوده اما پس از آن اصحاب ائمه احادیث ائمه را به صورت موضوعی تدین کردند مثل ثلاثین حسین بن سعید الجامع احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و... که در زمان امام رضا تدوین شدند که اینها شاگرد امام جواد(ع) هم بودند.

این پژوهشگر علوم حدیث در پاسخ به این سؤال که برخی این مسئله را مطرح می کنند که چطور امکان دارد مأمون، پسری 7-8 ساله را به بغداد بیاورد و دخترش را به عقد او در بیاورد؟ گفت: در واقع در آن مقطع خواستگاری می شود و این مسئله در آن زمان متداول بوده است یعنی اگر فردی را دارای فضیلت می دانستند از او خواستگاری می کردند و اسم رویش می گذاشتند و عقد می خواندند و این به معنای برگزاری مجلس عروسی و ازدواج نیست. برای همین در مجلسی که امام جواد(ع) را دعوت می کنند همین شبهه پیش می آید و اینجا دیگر بحث بلوغ جسمی حضرت نیست بلکه بحث این است که این فرد به بلوغ فکری نرسیده است و به مأمون می گویند این فرد خوبی است اما این فرد به بلوغ علمی و فکری نرسیده است و در همان مجلس مأمون قبول می کند که اگر اهل مجلس از امام جواد(ع) سؤال کردند و او نتواند پاسخ دهد، عقد جاری نمی شود که در همان مجلس مناظره علمی صورت می گیرد که در تاریخ ثبت شده است و امام جواد(ع) جواب می دهند و همانجا حتی مأمون طرفداری امام جواد(ع) را می کند و می گوید شما آیا می توانستید خود اینگونه پاسخ بدهید.

کیفیت شهادت امام جواد(ع)

امام جواد(ع) روز شنبه ششم ذی حجه سال 220 در بغداد در حالی که مسموم شده بود، شهید شد و در آن هنگام 25 ساله بود. این مسئله را امام رضا (ع) پیش shy&گویی کردند: پس از تولد امام جواد (ع)، امام رضا (ع) فرمود: فرزندانم به ناحق به شهادت می‌رسد. اهل آسمان برای او می‌گریند و خداوند متعال بر دشمن او و کسی که بر او ستم روا داشته است، خشم می‌گیرد و طولی نمی‌کشد که او را به عذاب دردناکی مبتلا می‌کند.

درباره اینکه امام جواد (ع) به چه نحوی به شهادت رسیدند، اقوال مختلفی وجود دارد اما مشهورترین قول آن است که معتصم خلیفه ستم shy&گر عباسی برادر مأمون و عموی ام فضل دختر مأمون، پیوسته نقشه‌هایی را برای به شهادت رساندن امام جواد (ع) اجرا می‌کرد و در این زمینه با ام فضل نیز همدست و همدستان شده بود که امام جواد (ع) را مسموم کند؛ زیرا معتصم می‌دانست که ام فضل از آن حضرت منحرف شده است و به شدت علیه امام (ع) موضع گرفته است. بر این اساس ام فضل نیز در خواست معتصم را پاسخ مثبت داد و سمی را در انگور جا سازی کرد و در پیش روی آن حضرت نهاد و همین که امام جواد (ع) از آن انگور خورد، ام فضل پشیمان شد و شروع به گریه کرد حضرت فرمود: گریه ات برای چیست؟ سوگند به خدا، خداوند آن shy&چنان تو را به دردی در ناحیه رحم دچار سازد که جبران پذیر نباشد و به بلایی گرفتارت کند که قابل کتمان نباشد. بر اثر همین نفرین ام فضل بیمار شد و از دنیا رفت.